

منظره علی کریمی و محمدرضا ساکت در بر نامه نود

در برابر فساد ساکت نباشیم!

هجوم کلاهبرداران برای بستن قرارداد های کلان با فدراسیون فوتبال!
اگه چهار تا بزدل مثل علی کریمی داشتیم
الان خاوری با پولای ما تو دیسکوهای کانادا نبود!
موسلمینی: چه دیر همد یگه رو پیدا کردیم
اتفاقا ما هم به قضاوت مردم نیازی نداشتیم!
#علی_کریمی_باشیم #بزدل_را_از_رنگ_کتنش_بیشناس #ساکتین_فساد
#عشق_است_علی_کریمی #شهرونگ

گمشدگان

بر مجرمان بی افزا!

شهرام شهیدی
طنز نویس
shahraam_shahidi@yahoo.com

حتما شما هم حکم جالب یک دادگاه در بیرجند را شنیده اید. قاضی ای در بیرجند پس از اثبات مجرمیت متهم او را به جای حبس به خواندن کتاب محکوم کرده است.
غلامحسین کرباسچی: پس چرا دوره ما از این خبرها نبود؟ اصلاحات و سازندگی این بود؟
محمود خاوری: من هم گاهی در کنار سواحل و گاهی در سرمای کانادا مجازات کتاب خواندن را تحمل می کنم. خیلی سخته نقشه فرار کسی نداره بید پی وی؟ پریدم دیگه.

بیز: یکی برای من کتاب «فرار از زندان» بیار مرسی اما!

یک متهم بزرگ پرونده اختلاس: کتاب که خوبه. به من حکم دادند بر نامه های صد و سیما تماشا کنم.

متهم مذکور: جناب قاضی من این کتاب را قبل از ممیزی خواندم. بعد از ممیزی خواندنش واقعا شکنجه روحی است. من خیلی سخته برام. میشه همون بزم زندان؟

کارشناس صد و سیما می یزد: خانم های محترم اگر آقا تون محکوم به کتاب خواندن شده باید برای این که این حکم سنگین از وجودشون بره بیرون و به قول معروف بشوره و بره، علاوه بر شیر و برگ گل یک مقدار عسل و کاپوچینو تو تشت اضافه کنید بعد پای آقا ماساژ بدین. هرچی محکومیتش سنگین تر، عسلش باید بیشتر باشه.

یک کارشناس فرهنگی وزارت ارشاد: این اتفاق خیلی خوبی است. در واقع از این پس هر چه آمار کتابخوانی کاهش پیدا کنه، معنسی و مفهومی چیست؟ بله یعنی آمار جرم در کشور کاهش پیدا کرده که کسی محکوم به کتابخوانی نشده.

متهم: قرآن من این کتاب را تا جلد چهارم خواندم، مشمول عفونتمی شوم؟
یک نویسنده: آدم نداند تکلیفش چیست؟ تیراز کتابش برود بالا خوشحال باشد یا ناراحت؟ اگر تیراز و فروش کتابش برود بالا، معنی اش این نیست که عده ای محکوم به خواندن کتاب من شده اند؟

میرسلیم: آقای روحانی اینو چی میگه؟

اسحاق جهانگیری: اینها از برکات برجام است. من گفته باشم.

حمید بقایی: خب نمیشه برای من هم از این حکم ها بدهند؟ به ما که رسید آسون...؟

یک پدر: بین پسرم کار بدی بکنی، آقا پلیسه شما را میگیره تحویل قانون میده بعد محکوم میشی به کتاب خواندن ها. بیای حجره دم دست خودم بهتره که تا هی کتاب بخونی.

یک فضول: آقا اجازه قبول نیست. متهم مذکور خودش باید درس می خونده، حالا هم محکوم شده به خواندن کتاب درسی اش. این وظیفه اش بوده نه تنبیه اش.

سردبیر: حالا بین یک قاضی محترم در راستای اشاعه فرهنگ کتابخوانی یک حکم خوب داد، شما طنزنویس ها هی نقدش کنید. درست نمی شوید.

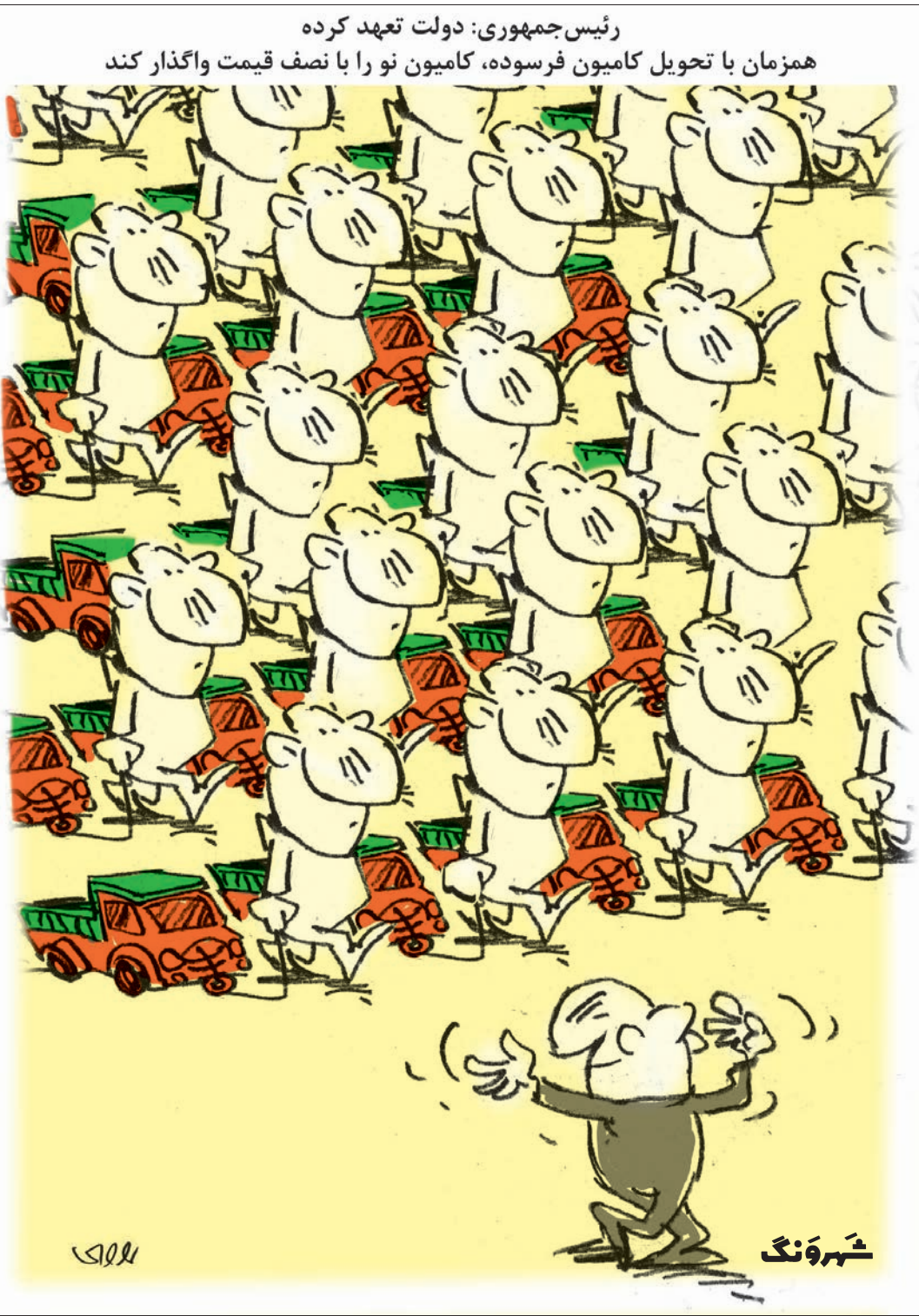
توییت یک توییتر باز: حکم کتابخواندن برای زندانی در عصر حجر هم اتفاق افتاده. آن موقع که کتاب نبود، بعدش که بوده!

عباس امیر انظمام: حکم می کردند کل کتاب های منتشر شده را بخوانم هم باید حکم به پایان می رسید.

یک ناشر: خدایا از تعداد بی گناهان کاسته و بر آمار مجرمان اضافه کن!

تماشاخانه

محمد رضا تقفی | کارتونست | email: sunysaghafi@yahoo.com



رئیس جمهوری: دولت تعهد کرده
همزمان با تحویل کامیون فرسوده، کامیون نو را با نصف قیمت واگذار کند

شهر ونگ

زنگرد

فاطمه ناصری | تو مطب دکتر نشسته بودم و همه تلاشم این بود که با لیست کردن همه مرض هایی که حتی علائم را هم نداشتم بیستم هزار تومان ویزیت دکتر را برایش حساسی حلال کنم. بیستم هزار تومان ویزیت برای چند لیتر آب ریزش بینی ارزش را نداشت. بچه تخسی می تفش را اویزان می کرد و قبل از رسیدنش به مجله ای که دستش بود، جمعش می کنند با زنج کوبید تو پهلو بچه و گفت: «به یار دیگه این کار رو بکنی آقا دعوات می کنه» و به من اشاره کرد. چند دقیقه که گذشت در دسقلمه مادرانه خوب شد و بچه دوباره نقش را اویزان کرد. دستم را بردم بالا و چنان زیر گوش بچه گذاشتم که برق از همه جایش بیرون زد. هنوز دستم سر جایش بر نگشته بود که مادر بچه با کیف کوبید توی صورت کم: «همون مرتیکه وانی چته بچه گیر آوردی؟» در حالی که گنجشک های دور سرم داشتند می چرخیدند و روی سرم خرابکاری می کردند به این فکرمی کردم: «هنگه بر نامه همین نبود»

کوچه اول

اسید جواد قضاوی | او حیدم لقب به علی کریمی تکنیکی ترین بازیکن کوچه، تیم را کنار کشید و گفت: «این بازی خیلی حساسه، باید همه بفهمن تیم اول این محله تیم ماست.»
تیم مقابل تیم محسن خروش بود که لقب رو بر تو کار لوس را بدکم می کشید هیکل بزرگی داشت و هیچ کس نمی توانست جلوی شوت های سنگینش را بگیرد. پول یکونوشابه را هم از هر نفر گرفتیم و جمع کردیم تا آخر بازی بدیم به تیم برنده. مسابقه شروع شد. بچه های هر دو تیم با چنگ و دندان افتاده بودند به جان هم و گاهی آن وسط میوه هم به پیشانی می خورد و حید به هر بچه ای می رسید لای می دو محسن خروش بدون توجه به دروازه شوت هایش را به سمت بازیکنان هدف می گرفت و وسط در گیری توپ پاره شد. هر دو کاپیتان توافق کردند قبل از این که کسی تا کار شود نامه عوالمند برای هفته بعد، محسن گفت: «فلا به نوشابه بزنیم.» من گفتم: «یولا دلاست کیه؟» وحید گفت: «همون پسر ساقی که اول بازی گفت من داور میشم!» یک ماه بعدش گشتیم. خیلی سوختم! بعد از سال ها هنوز هم جایش در می کند!

تلگرافخانه

پیام های خود را از طریق این دو آدرس برای ما ارسال کنید: تلگرام: @tanzshahrvang | ایمیل: shahrvang@gmail.com

پاسخگوی شماره ۲۵

پ. ش. بیست و پنج

در مواردی افراد مطلع و صاحب نظر آریایی به این نتیجه رسیدند که این جشن ها از اول مال ما بوده و مردم ممالک دیگه وقتی داشتن سرزمین ها شون و با عشق و علاقه به سپاهیان ایرانیان مهربون اون زمان تقدیم می کردند از ما اون جشن ها رو دیدند و در تاریخ به طور جعلی به نام خودشون زدند (دیدم که میگما). حتی شنیده ها حاکی از این است که نژاد جرمنی که خودشون رو آریایی می دوند در حقیقت نژاد کرمانی بودند و مهاجرت کردند که در این مورد خاندان هخامنشی پس از شنیدن سر به بیابان های مَرودشت گذاشتند. جشن های ملی و رسومات فرهنگی تان را به ما بسپارید چون ما خودمون حیطی رسم و رسوم داریم. جالب تر از همه این کارها اینه که همین ایرانی ها که بخوان برای بچه ها شون جفت مناسب پیدا کنن یهویی دیفالت فکتوری میشن و رسومات منسوخ شده در دوره اشکانیان رو هم به خاطر می آورند و توقع دارند که خانواده طرف مقابل آنها را به بهترین و کامل ترین شکل به جای بیاورد و اصلا اعتقادی به ازدواج های سناده و بدون تشریفات در ممالک دیگه تو کتشن نمیره که نمیره. اینطور ملت با فرهنگ غنی ای هستیم مایرانی ها.

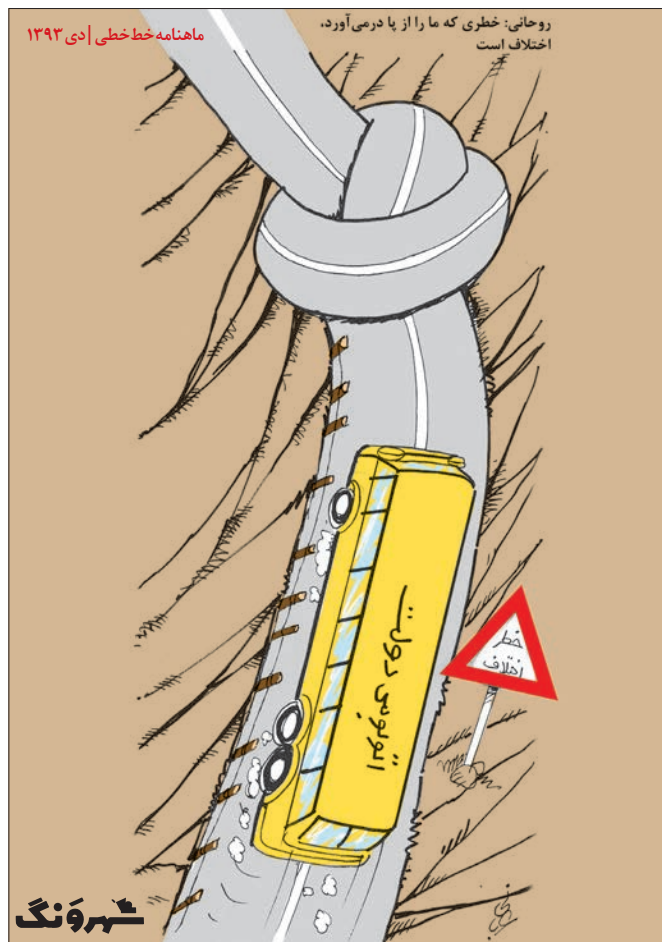
خط تیره: سلام خسته نباشید. لطفا طرح های آقای احمد رضا کاظمی رو واسه ادمین کانال مملکت بفرستید. حیفه که دیده نشن. من بکیشو فرستادم گذاشتن داخل کانال شون.
شهر ونگ: آقا مملکت چیه؟! ما خودمون کانال شهرونگ داریم با بچه که کتی!
می: شما هم حستون وقتی پر تقال رو با جاقو پوست می کنید و می خورین یا توی پاکت باشه یا توی لیوان بزرگ شیشه های بخورید فرق می کنه یا فقط من اینطوری ام؟
شهر ونگ: شما حستون وقتی با ذوق به پیام رو باز کنید و ببینید از تون درباره فرق پر تقال پوست کنده با لیوانی پرسیدن اینجوری نیست که بخواید آجر تو سر خودتون خرد کنید یا من فقط اینطوری ام!؟

عصباتی نیستم

الله فخری نیک | به خدا ما ایرانی ها رو اشتباهی به عنوان عصباتی ترین ملت دنیا معرفی کردند، در حق ما ظلم شده، لاقال می تونستن جوگیر ترین یا متقلدترین چیزی معرفی کنن؛ مثلا همین جشن هالووین این خارجی ها که ما

شهر فرنگ

احمد عربانی | کارتونست



شهر ونگ